

آیین پیامبر اسلام(ص) قبل از نبوت چه بود؟

در هیچ تاریخی نقل نشده است که پیغمبر اسلام(ص) در معابد یهود یا نصاری یا مذهب دیگر مشغول عبادت شده باشد، نه در کنار کفار در بتخانه بود و نه در کنار اهل کتاب در معابد آنان، در عین حال پیوسته به اصول اخلاق و عبادت الهی پایبند بود.



در هیچ تاریخی نقل نشده است که پیغمبر اسلام(ص) در معابد یهود یا نصاری یا مذهب دیگر مشغول عبادت شده باشد، نه در کنار کفار در بتخانه بود و نه در کنار اهل کتاب در معابد آنان، در عین حال پیوسته به اصول اخلاق و عبادت الهی پایبند بود.

خبرگزاری فارس- گروه‌ فعالیت‌ های قرآنی: آیت‌ الله ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه ذیل آیات 52 و 53 سوره مبارکه« شوری» به انواع وحی و آیین پیامبر اعظم(ص) قبل از نبوت اشاره کرده است که متن آن در ادامه می‌ آید؛

يَسْمُ اللّٰهُ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيْمُ

«وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ اَمْرُنَا مَا كُنْتَ تَدْرٰى مَا الْكِتٰبُ وَلَا الْاِيْمَانُ وَ لٰكِنْ جَعَلْنَاهُ نُوْرًا نَّهْدٰى بِهٖ مِّنْ نَّشَءٍ مِّنْ عِبَادِنَا وَ اِنَّكَ لَتَهْدٰى اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ* صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ اِلَّا اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْر؛ همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم، تو پیش از این نمی‌ دانستی کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌ کنیم، و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌ کنی. راه خداوندی که تمام آنچه در آسمان‌ ها و آنچه در زمین است از آن اوست، آگاه باشید که همه کارها تنها به سوی خدا باز می‌ گردد». (شوری/ آیات 52 و 53)

قرآن روحی است از جانب خدا

در آیات مورد بحث، از نزول وحی بر شخص پیغمبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) سخن گفته، می‌ فرماید:« همان گونه که بر پیامبران پیشین، از طرق مختلف، وحی فرستادیم، بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم» (وَ كَذٰلِكَ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ اَمْرُنَا).

تعبیر به« كَذٰلِكَ» (این گونه) ممکن است اشاره به این باشد که تمام انواع سه گانه وحی، که در آیه قبل آمده، برای پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) تحقق یافت، گاه، مستقیماً با ذات پاک پروردگار، ارتباط می‌ یافت، و گاه از طریق فرشته وحی و گاه، با شنیدن آوازی شبیه امواج صوتی، چنان که در روایات اسلامی نیز اشاره به همه اینها شده، و شرح آن را ذیل آیه گذشته بیان کردیم.

در این که منظور از« روح» در اینجا چیست؟ دو قول در میان مفسران دیده می‌ شود: نخست، این که، منظور، از آن« قرآن مجید» است که مایه حیات دل‌ ها و زندگی جان‌ ها است، این قول را غالب مفسران برگزیده‌ اند.

«راغب» در« مفردات» می‌ گوید: سَمِيَ الْقُرْآنُ رُوحًا فِى قَوْلِهِ وَ كَذٰلِكَ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ اَمْرُنَا وَ ذٰلِكَ لِكُوْنِ الْقُرْآنِ سَبَبًا لِلْحَيٰةِ الْاٰخِرِيَّةِ: «قرآن در آیه وَ كَذٰلِكَ اَوْحَيْنَا... روح نامیده شده زیرا سبب حیات اخروی است».

این معنی، با قرائن مختلفی که در آیه وجود دارد مانند تعبیر به« كَذٰلِكَ» که اشاره به مسأله وحی است و تعبیر به« اَوْحَيْنَا» و همچنین تعبیراتی که درباره قرآن در ذیل همین آیه آمده است، کاملاً سازگار است.

گر چه« روح» در سایر آیات قرآن، غالباً به معانی دیگری آمده است ولی با توجه به قرائن فوق، ظاهر این است که روح در اینجا به معنی قرآن است.

در تفسیر آیه 2 سوره نحل؛ ﴿يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾؛ نیز گفتیم که قرائن نشان می‌دهد؛ ﴿روح﴾؛ در آن آیه، نیز به معنی «قرآن و وحی و نبوت» است، و در حقیقت این دو آیه، یکدیگر را تفسیر می‌کنند.

چگونه «قرآن»؛ به منزله «روح»؛ نباشد، در حالی که در آیه 24 سوره انفال؛ ﴿مِثْلَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ مُوسَىٰ﴾؛ خوانیم: یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و لِرَسُولِهِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اجابت کنید دعوت خدا و پیامبرش را هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می‌خواند که مایه حیات شما است!

تفسیر دوم این که: منظور «روح القدس» است (و یا فرشته)؛ حتی از جبرئیل و میکائیل برتر بوده و همواره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را همراهی می‌کرد).

مطابق این تفسیر، «أَوْحَيْنَا»؛ به معنی «آنزلنا»؛ (نازل کردیم) می‌باشد یعنی «روح القدس»؛ یا آن فرشته عظیم را بر تو نازل کردیم (گرچه «أَوْحَيْنَا»؛ به این معنا در آیات دیگر قرآن دیده نمی‌شود).

در بعضی از روایات، که در منابع معروف حدیث آمده، نیز تأییدی بر این تفسیر دیده می‌شود، ولی همان گونه که گفتیم، تفسیر اول با قرائن متعدد موجود در آیه هماهنگ‌تر است، لذا ممکن است این گونه روایات که روح را به معنی «روح القدس»؛ یا فرشته بلند مقام خدا تفسیر کرده، اشاره به معنی باطن آیه باشد.

به هر حال، در دنباله آیه می‌افزاید؛ ﴿تَوَّابٌ﴾؛ از کتاب و ایمان آگاه نبودی، ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم؛ ﴿مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا﴾.

این لطف خدا بود که شامل حال تو شد، و این وحی آسمانی بر تو نازل گشت، و ایمان به تمام محتوای آن پیدا کردی.

اراده خداوند، بر این تعلق گرفته بود، که علاوه بر هدایت تو به این کتاب بزرگ آسمانی، و تعلیمات آن، بندگان دیگرش را در پرتو این نور آسمانی، هدایت کند، و شرق و غرب جهان، بلکه تمام قرون و اعصار را تا پایان، زیر پوشش آن قرار دهد.

بعضی از کج‌اندیشان، چنین پنداشته‌اند که، این جمله نشان می‌دهد؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) قبل از نبوت، ایمان به خدا نداشت، در حالی که معنی آیه روشن است، می‌گوید: قبل از نزول قرآن، قرآن را نمی‌دانستی، و به محتوای و تعلیمات آن آگاهی و ایمان نداشتی، این تعبیر هیچ منافاتی با اعتقاد توحیدی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و معرفت عالی او و آشنائیش به اصول عبادت و بندگی او ندارد، خلاصه، عدم آگاهی به محتوای قرآن مطلبی است و عدم «معرفة الله»؛ مطلب دیگر.

زندگی شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله)، قبل از دوران نبوت که در کتب تاریخ آمده است، نیز گواه زنده این معنی است، و از آن روشن‌تر، سخنی است که از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در نهج؛ «البلاغه آمده: وَ لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ (صلی الله علیه و آله) مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ قَطِيمًا أَعْظَمَ مَلِكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ»؛ از همان زمان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از شیر باز گرفته شد، خداوند بزرگ‌ترین فرشته از فرشتگانش را با او قرین ساخت تا شب و روز، وی را به راه‌های مکارم، و طرق اخلاق نیک سوق دهد.

در پایان آیه، می‌افزاید؛ ﴿بِهِ طُورَ مَسْجِدٍ﴾؛ به سوی راه مستقیم، مردم را هدایت می‌کنی؛ ﴿وَ أَنْتَ تَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾.

نه تنها قرآن نوری برای تو است که نوری برای همگان است، و وسیله هدایتی برای جهانیان به سوی صراط مستقیم، این یک موهبت عظیم الهی است برای رهروان راه حق و آب حیاتی است برای همه تشنه کمان.

همین معنی به تعبیر دیگری در آیه 44 سوره فصلت؛ آمده: ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ هَدًى وَ شِفَاءً وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ﴾؛ بگو این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند، مایه هدایت و شفا است، و

کسانی که به آن ایمان نمی‌آورند، گوش‌هایشان سنگین است؛

سپس، به عنوان تفسیری بر صراط مستقیم؛ می‌افزاید: راه خداوندی که تمامی آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن او است؛ (صراطِ اللّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ).

چه راهی مستقیم‌تر از راهی است که به مبدأ عالم هستی منتهی می‌شود؟ چه راهی صاف‌تر از راهی است که به خالق عالم هستی می‌رسد؟

سعادت واقعی، سعادت است که خدا به آن دعوت می‌کند، و راه وصول به آن، تنها راهی است که او برای آن انتخاب کرده است.

آخرین جمله این آیه، که در عین حال آخرین جمله سوره؛ شوری؛ است در حقیقت دلیلی است برای این معنی که راه مستقیم، تنها راهی است که به سوی خدا می‌رود، می‌فرماید: آگاه باشید! بازگشت همه کارها به سوی خدا است؛ (أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ).

از آنجا که او مالک عالم هستی، و حاکم و مدبر آن است، و از آنجا که برنامه‌های تکاملی انسان، باید تحت عنایت این مدبر بزرگ قرار گیرد، بنابراین راه مستقیم تنها راهی است که به سوی او می‌رود، و جز این راه، هر طریق دیگر انحرافی است، چرا که به سوی باطل است، مگر حقی جز ذات پاک او، در عالم وجود دارد؟!

این جمله، در عین حال، بشارتی است برای پرهیزگاران، و تهدیدی است برای ظالمان و گنهکاران که بازگشت همه آنها به سوی خدا است.

و نیز دلیلی است، بر این که، وحی باید تنها از سوی خدا باشد، چرا که بازگشت همه اشیاء و تدبیر آنها به سوی او است، و به همین دلیل، او باید مبدأ وحی بر پیامبران باشد، تا هدایت واقعی صورت گیرد، و به این ترتیب، صدر و ذیل این آیات، با یکدیگر مربوط و منسجم است، و پایان سوره، نیز با آغاز آن، و خط کلی حاکم بر آن، هماهنگ است.

پیامبر اسلام(ص) قبل از نبوت چه آئینی داشتند؟

در این که پیغمبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) قبل از بعثت، هرگز برای بت سجده نکرد و از خط توحید منحرف نشد، شکی نیست، و تاریخ زندگی او نیز به خوبی این معنی را منعکس می‌کند، اما در این که بر کدام آئین بوده؟ در میان علما گفتگو است:

بعضی او را پیرو آئین مسیح(علیه السلام) می‌انند، چرا که قبل از بعثت پیامبر(صلی الله علیه وآله) آئین رسمی و غیر منسوخ آئین او بوده است.

بعضی دیگر، او را پیرو آئین ابراهیم(علیه السلام) می‌دانند، چرا که؛ شیخ الانبیاء؛ و پدر پیامبران است و در بعضی از آیات قرآن آئین اسلام به عنوان؛ آئین ابراهیم؛ معرفی شده:؛ میله ائیکم ابراهیم؛.

بعضی نیز، اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته‌اند: می‌دانیم آئینی داشته، اما کدام آئین؟ بر ما روشن نیست!

گرچه هر یک از این اقوال وجهی دارد، اما هیچ کدام مسلم نیست، و مناسب‌تر از اینها قول چهارمی است و آن این که: پیامبر(صلی الله علیه وآله) شخصاً برنامه خاصی از سوی خداوند داشته که بر طبق آن عمل می‌کرده، و در حقیقت آئین مخصوص خودش بوده، تا زمانی که اسلام بر او نازل گشت.

شاهد این سخن، حدیثی است که در؛ نهج؛ البلاغه؛ آمده، و در بالا ذکر کردیم که می‌گوید:؛ خداوند از آن زمان که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از شیر باز گرفته شد، بزرگ‌ترین فرشته‌اش را قرین وی ساخت، تا شب و روز او را به راه‌های مکارم، و طرق اخلاق نیک سوق دهد؛.

مأموریت چنین فرشته‌ای، دلیل بر وجود یک برنامه اختصاصی است.

شاهد دیگر این که: در هیچ تاریخی نقل نشده است که پیغمبر اسلام(صلی الله علیه وآله) در معابد«یهود» یا «نصاری» یا مذهب دیگر مشغول عبادت شده باشد، نه در کنار کفار در بتخانه بود، و نه در کنار اهل کتاب در معابد آنان، در عین حال پیوسته خط و طریق توحید را ادامه می‌داد و به اصول اخلاق و عبادت الهی، سخت پایبند بود.

روایات متعددی نیز - طبق نقل «علامه مجلسی» در «بحار الانوار» - در منابع اسلامی آمده است که، پیامبر(صلی الله علیه وآله) از آغاز عمرش مؤید به «روح القدس» بود و با چنین تأییدی، مسلماً بر اساس الهام«روح القدس» عمل می‌کرد.

«علامه مجلسی» شخصاً معتقد است: پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) قبل از مقام رسالت دارای مقام نبوت بوده، گاه فرشتگان با او سخن می‌گفتند، و صدای آنها را می‌شنید، و گاه در رؤیای صادقه به او الهام الهی می‌شد، و بعد از چهل سال، به مقام رسالت رسید، و قرآن و اسلام رسماً بر او نازل شد، او شش دلیل بر این معنی ذکر می‌کند که بعضی از آنها با آنچه در بالا آوردیم هماهنگ است (توضیح بیشتر را می‌توانید در جلد 18 بحار الانوار صفحه 277 به بعد مطالعه کنید).